

مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی،

عارف قزوینی و میرزاده عشقی

اعظم اکبری رکن‌آبادی^۱؛ دکتر محبوبه خراسانی (نویسنده مسئول)^۲؛ دکتر شهرزاد نیازی^۳

چکیده

نهضت مشروطه، با ایجاد تغییرات اساسی در تمامی ساختار جامعه، ادبیات دوره قاجار را متحول ساخت. عواملی چون ارتباط با دنیای غرب، سفرنامه‌ها، تأسیس مدارس جدید، ترجمه آثار غربی، مطبوعات و غیره. زمینه‌های تجددطلبی ایرانیان را فراهم کرد و این تجددخواهی در آثار دوره مشروطه به لحاظ زبانی، ادبی و محتوایی تأثیر گذاشت و مهم‌ترین تغییرات سبکی را در پی داشت. در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی و روش کتاب‌خانه‌ای است؛ مطالبی در مورد اوضاع اجتماعی و ادبی، شعر مشروطه و شاعران مورد بحث (فرخی، عارف و میرزاده عشقی) بیان شده و در ادامه ویژگی‌های سبکی، دستوری و ساختار صرفی این شاعران، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش صرف به تجزیه و تحلیل واژگان پرداخته شده است. پژوهش در ساختار دستوری شعر مشروطه از این جهت حائز اهمیت است که از سویی شعر مشروطه زمینه را برای تغییر محتوایی و ساختاری فراهم نمود و بعد از این دوره، جنبشی در شعر ایجاد شد و آن آغاز شعر نیمایی بود و از سویی دیگر شاعران عصر مشروطه و بعد از آن تحت تأثیر ترجمه با آثار مشهور و منظوم اروپا آشنا شدند و از یکدیگر تأثیر پذیرفتند. با ذکر شواهد و نمونه‌هایی از آثار این شاعران به این نتیجه می‌رسیم که عامیانه‌گرایی در شعر مشروطه، بسامد بالایی دارد و اگرچه شاعران داعیه تجدد و نوگرایی را در ادبیات به‌ویژه شعر دارند؛ اما هنوز کهنه‌گرایی در آثارشان دیده می‌شود و با قواعد دستوری آشنایی کافی ندارند؛ لذا غلط‌های نحوی و زبانی در اشعارشان به‌وفور دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: ساختار صرفی، شعر مشروطه، عارف قزوینی، فرخی یزدی، میرزاده عشقی.

۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. Az.akbario2۶۲@gmail.com

۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. Khorasani.m@iaun.ac.ir

۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. Niazi-۶۰@gmail.com

۱- مقدمه

۱-۱. اهمیت و بیان مسأله

زبان فارسی یکی از عوامل استقلال ملی و فرهنگی ماست و از دیرباز تاکنون شاعران و اندیشمندان زیادی به این زبان خدمت کرده‌اند. از فردوسی و سعدی و حافظ تا بزرگان معاصر همچون دهخدا، بهار، معین و ... یکی از راه‌های پاسداشت این دُرّ دریای دری، توجه ویژه به ساخت و بافت کلمات و جملات است و این مهم میسر نمی‌شود؛ مگر به همت فرهیختگان دلسوز و ادیبانی که دغدغه زبان و ادبیات پارسی، تار و پود وجودشان را فراگرفته است.

«دستور زبان، بخشی از زبان است که درباره ساختمان آوایی، صرفی، نحوی و معنایی زبان بحث می‌کند. از دستور و زبان‌شناسی می‌توان در فراگرفتن زبان نیز بهره گرفت. آشنایی با دستور هر زبانی، راه ما را برای شناخت آثار ادبی آن زبان، هموارتر می‌کند. دستور زبان فارسی هم از این قاعده، مستثنی نیست» (فرشیدورد، ۱۳۸۷: ۳۴).

«شناخت قواعد دستور، فوایدی دارد که عبارتند از: کمک به زبان‌آموزی، تثبیت زبان و جلوگیری از هرج و مرج، یادگیری آسان‌تر عروض و نقد ادبی، تقویت فرهنگ‌نویسی، بالابردن سطح اطلاعات عمومی، تدوین قواعد املا، لغت‌سازی، فهم آثار کهن بر اساس دستور تاریخی و غیره» (همان، ۳۶-۳۷).

در حال حاضر، بهترین شیوه، برای تقویت دستور زبان این است که آثار ادبی بر اساس یک دوره خاص یا یک اثر به شکلی مجزا مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه، آثاری تألیف شده‌اند؛ مانند دستور و شاهنامه، تألیف محمود شفیعی، ساختار زبان شعر امروز، از مصطفی علی پور، ساختار نحوی زبان معاصر از لیلا کردبچه.

اما در این تحقیق بیشتر سعی شده است تا شعر چند شاعر مشروطه مورد بررسی قرار گیرد. شاعرانی که در پی تجدد و نواندیشی بوده‌اند. در شعر مشروطه مسئله تغییر زبان شعر و به کارگیری الفاظ و ترکیبات جدید، هم‌زمان بود با تغییرات سیاسی و اوضاع اجتماعی آن عصر. عده‌ای از شاعران این دوره با بهره‌گیری از زبان و ادبیات عامه، شعر را به سوی زبان عامه و مردم کوچه و بازار سوق دادند. این تغییر جهت شعر، به تغییر ساختاری و محتوایی شعر، منجر شد و بر ساخت و بافت آن اثر گذاشت.

مقایسه تطبیقی هنجارگرایی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی
موضوع این پژوهش، دربارهٔ ساختار صرفی شعر شاعران مشروطه چون فرخی یزدی،
عارف قزوینی و میرزاده عشقی است. در حوزهٔ صرف، مباحثی چون الفاظ دخیل،
عامیانه‌گرایی، کهن‌گرایی، واژگان سیاسی و غیره، مورد بررسی قرار گرفته است. این
شاعران با تأثیرپذیری از ادبیات عامه و روی آوردن به آن، آشنایی با ادبیات اروپا به‌ویژه
ادبیات فرانسه، در زبان شعر، تغییراتی به وجود آوردند. نکته و مسئله مهمی که شعر این
شاعران را نسبت به معاصرانشان متمایز ساخته، این است که با وجود این‌که این شاعران
در پی تجدد و نواندیشی و نوگرایی بوده‌اند؛ اما هنوز در سطحی گسترده با بسامد
بالا از واژگان کهن استفاده کرده‌اند و این نقطهٔ ضعفی برای این شاعران متجدد است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون اندیشمندان و پژوهشگران زیادی در مورد قواعد دستوری و ویژگی‌های
نحوی و صرفی و هنجارشکنی‌های دستوری به نقد و تجزیه و تحلیل دیوان شعرا و آثار
منثور پرداخته‌اند؛ اما در زمینه ادبیات دورهٔ مشروطه به ویژه شعر مشروطه، کاری مدوّن و
مفصل انجام نشده است. در آثار مرتبط با تاریخ ادبیات دوره مشروطه، جسته و
گریخته و به صورت اشاره به ویژگی‌های دستوری و غلط‌های نحوی و شعر مشروطه
به ویژه شاعرانی چون عارف، عشقی، فرخی و نسیم شمال، اشاره شده است که اگر
آثار شاعران فوق با دستور زبان مطابقت داده شود، غلط‌های نحوی و دستوری به وفور
در آن‌ها دیده می‌شود.

شفیعی کدکنی در کتاب «با چراغ و آینه» ضمن اشاره به چند ویژگی نحوی
شاعران مشروطه (عارف، میرزاده عشقی و ...) اشاره کرده‌اند که لازم است در این زمینه
تحقیقی مفصل انجام گیرد.

محمود صادق زاده، (۱۳۸۸)، در مقاله «بررسی سبک نثر مقالات فرخی یزدی»، در
فصلنامهٔ کاوش نامه یزد به شاخصه‌های مقاله نویسی، انواع نثر و ویژگی‌های سبکی نثر
فرخی پرداخته است.

یدالله جلالی پندری، (۱۳۸۵)، در مقاله «شیوهٔ نثر نویسی فرخی یزدی»، به این نکته
اشاره کرده است که در نثر فرخی یزدی آنچه بیشتر مورد نظر نویسندگان است، رساندن پیام

سیاسی و اجتماعی خود به خواننده است و طبعاً چگونگی نگارش نثر در مرحله بعد قرار می‌گیرد و نثر فرخی در مقالات او غالباً به خطابه‌ای مکتوب شباهت پیدا کرده است. سیده زهره نصیری سلوش (۱۳۹۴). در رساله دکتری «سبک‌شناسی تحلیلی شعر دوره مشروطه» اشعار ۹ تن از برجسته‌ترین شاعران دوره مشروطه را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی و تحلیل کرده است.

ابوالقاسم یعقوبی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «سبک‌شناسی دستوری شعر مشروطه»، مطالبی در مورد اوضاع اجتماعی دوره مشروطیت، شعر و شاعران مشروطه، ویژگی‌های دستوری و سبک‌شناسی، مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار داده است.

۱-۳. روش کار

در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. ساماندهی مطالب بدین صورت بوده است که ابتدا با مطالعه و بررسی دیوان فرخی یزدی، شاهد مثال‌ها انتخاب و تحلیل و بررسی شد.

۲. بحث

۲-۱-۱. اوضاع اجتماعی دوره مشروطه

فرمان مشروطیت که در ۱۴ جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۴ ه... ق به امضای مظفرالدین شاه رسید، در واقع دستاورد نهضتی سیاسی - اجتماعی بود که بیشتر از آن در اثر بیداری جامعه ایرانی تحت تأثیر عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاصل شده بود» (یا حقی، ۱۳۷۵: ۱۳).

این دوره از شروع آزادی خواهی در اواخر حکومت ناصرالدین شاه آغاز می‌شود و تا پایان دوره قاجاریه، ادامه می‌یابد. این دوره، یکی از حساس‌ترین و پرحادثه‌ترین دوره‌های تاریخی و اجتماعی و ادبی ایران است. سیر حرکت سیاسی و اجتماعی ایران در این دوره به کلی دگرگون می‌شود و مردم و آزادی خواهان برای نخستین بار در جریان‌های سیاسی و اجتماعی، مستقیماً دخالت می‌کنند. به موازات توسعه اقتصادی ملل اروپایی در قرن نوزدهم، روند نوسازی جامعه ایران به مقطع تازه‌ای وارد می‌شود. ایران در این دوره، مطمح

مقایسه تطبیقی هنجارگرایی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی
علاقه این ملل واقع می‌شود و به پایگاهی تبدیل می‌شود که در بین سیاستمداران و
دیپلمات‌های غربی از اهمیتی ویژه، برخوردار است. روابط ایران با روسیه، انگلیس و
فرانسه، تحولاتی در زمینه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ادبی و سیاسی به وجود آورد.
«ادبیات فارسی از دوره مشروطه به بعد به کلی متحول شد و در آغاز راه جدیدی
قرار گرفت که پویایی و تحرک خاصی به آن بخشید. تحولات اجتماع سازش‌ناپذیر دوره
مشروطه، سرانجام گریبان شعر و ادب را هم - که در آن دوره در کنج انزوا و سکون
گرفتار مانده بود - گرفت» (غلامحسین زاده، ۱۳۸۰: ۵۲).

در بعد نظامی، مربیان نظامی از کشورهای اروپایی برای تعلیم فنون نظامی وارد ایران
شدند (اهمیت اقدامات عباس میرزا فرزند ارشد فتحعلی شاه بر کسی پوشیده نیست).
در بعد فرهنگی و اقتصادی تأسیس دارالفنون، ترجمه کتاب‌های ملل اروپا، صنعت
چاپ، تهیه کتاب و روزنامه، توسعه مناسبات بازرگانی و مبادلات تجاری از مهم‌ترین
اقدامات انجام شده است.

واگذاری بی‌رویه امتیازات به کشورهای دیگر، موجب اعتراض آزادی‌خواهان شد و
عوامل دیگری چون فساد درباریان، واگذاری بعضی از مناطق ایران به کشورهای مهاجم
مزید بر علت شد و بر دامنه ناآرامی‌ها افزود و از نظر سیاسی حضور پررنگ روحانیت و
حضور شاعران و نویسندگانی که در صحنه بودند و قلبشان جز برای وطن نمی‌تپید و
درون‌مایه و محتوای اشعارشان عشق به وطن، آزادی‌خواهی، تنفر از دستگاه حاکم، قانون،
تربیت زنان، حقوق ملت، کارگران، کشاورزان و ... بود. دوران مشروطیت، نقطه عطفی
در تاریخ و ادب ایران بود. تغییراتی که در این زمان، در اوضاع کشور پدید آمد، مستقیماً بر
ادبیات تأثیر گذاشت. «مشروطه نخستین انقلاب مردمی مهم در جامعه ایرانی بود و ماهیت
آن با سایر حوادثی که در تاریخ ایران اتفاق افتاده بود، متفاوت بود به همین سبب، شعر
دوره مشروطه با شعر دوران‌های پیشین متفاوت است.» (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۵۶).

۲-۱-۲. اوضاع ادبی دوره مشروطه

گرچه از سال‌ها پیش، جرقه‌های ساده‌نویسی زده شد؛ اما تغییر اساسی در محتوا، از این
زمان و کمی پیش از آن آغاز شد تا پیش از این، شعرا در مدح پادشاه شعر می‌سرودند و از

صلوات و جوایز برخوردار می شدند. به ویژه این که دربار پادشاهان هند از قبل محل گردآمدن شاعران فارسی زبان شده بود. این کار، دو حسن داشت: اول این که شاعر از این راه زندگی می گذراند و دوم این که آثار او توسط دربار، حفظ و منتشر می شد. محیط خارج از دربار، قابلیت درک شعر را نداشت و پیچیده گویی و آرایش های لفظی که خوشایند ادبا و سلاطین بود، به شاعر امکان ساده گویی نمی داد. تخیل های رنگین و بسیار دقیق و باریک و دور از ذهن شعر سبک هندی، گواه بر این مدعاست؛ اما به یکباره این اوضاع دگرگون شد و دلایل متعدد موجب تحوّل عظیم در امور مملکتی شد. حضور امیرکبیر و تأسیس دارالفنون و فرستاده شدن برخی از متفکران برای تحصیل به اروپا و آشنایی با روش های زندگی آنان، ترجمه آثار اروپایی به ویژه از زبان های فرانسه و انگلیسی به زبان فارسی، چشم و گوش ایرانیان را به سوی ندیده ها و نشنیده ها گشود. کشمکش هایی که بین دربار و مردم پدید آمد، تغییر حکومت قاجار و شکستن اقتدار شاهان که تا آن زمان همه کاره بودند، باعث شد که ادبا از دربار ناامید شده به میان مردم بیایند؛ اما اگر به همان سبک و سیاق قدیم باقی می ماندند، نه خود در میان مردم جای داشتند و نه شعرشان خواهانی داشت.

در اوج مشروطه خواهی، شعرا و نویسندگان از هر طبقه ای که بودند، با مردم یکی شده، از زبان کوچه و بازار الهام گرفتند و شعر ساختند. شاعرانی که درد مردم جامعه را خوب حس می کردند و هم نوا و هم گام با مردم سروده های ظلم ستیزی، عدالت خواهی و میهن پرستی خود را به هم کیشان و هم میهنان خود تقدیم می کردند. این اشعار خونی تازه در رگ های مردم زمانه جاری ساخت و به آنان حیات بخشید و آنان را به شور و نشاط و هیجان آورد و تمام پل هایی که به گذشته ختم می شد، شکسته شد.

عواملی که منجر به تحول ادبی و پیدایش شیوه ای جدید در شعر دوره مشروطه شد، عبارتند از:

۱- ضرورت روی آوردن به دانش و فن جدید که تا حدودی پیامد جنگ های ایران و روس به فرماندهی عباس میرزا در عهد فتحعلی شاه قاجار بود.

۲- رفت و آمد ایرانیان به کشورهای اروپایی و آشنایی آنان با تحولات جدید علمی، فنی، اقتصادی و...

- مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی
- ۳- رواج صنعت چاپ به عنوان اصلی ترین وسیله اطلاع رسانی که می توانست در انتقال سریع و گسترده افکار مؤثر باشد.
- ۴- رواج و گسترش روزنامه نویسی به عنوان مهم ترین رسانه که اخبار و اطلاعات را در کوتاه ترین زمان در همه جا منتشر می کرد.
- ۵- ترجمه و نشر کتابها و آثار فرهنگی که آشنایی همگانی تر با پیشرفت های جهان غرب را بیش از پیش ممکن می ساخت.
- ۶- تأسیس مدرسه فنی دارالفنون و تعمیم و گسترش دانش های نوین» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۴).

با توجه به عوامل فوق می توان گفت که چهره فرهنگی جامعه ایران در آستانه مشروطیت کاملاً تغییر یافته بود؛ به ویژه که گروهی از تحصیل کردگان از طریق مطبوعات و آثاری که منتشر می کردند به جریان نوگرایی اجتماعی و فرهنگی سرعت بیشتری می بخشیدند و ضرورت آشنایی مردم را با پدیده های نو و مظاهر فرهنگ جهانی که با شتاب رو در ترقی و پیشرفت داشت، بیش از پیش یادآوری می کردند.

۲-۱-۳. جریان شناسی شعر مشروطه

در این دوره، الفاظ دشوار و صنایع بدیعی فراموش می شود و آهنگ ها و اوزان آشنا کاربرد پیدا می کنند. البته روزگار مشروطه، روزگار تجدد اجتماعی است که خواسته یا ناخواسته واژگانی از زبان فرنگی به ویژه فرانسوی وارد آن می شود و سهم مطبوعات و ترجمه در این تأثیرپذیری بیشتر است.

«زبان شعر این دوره به زبان کوچه و بازار- دست کم در گروهی از شاعرانی مثل سید اشرف، عارف و عشقی- نزدیک می شود؛ اما این ها شاعران کم سوادی بودند و شعرشان پر از غلط های دستوری است. با تمام احترامی که برای عشقی قائم و معتقدم که اگر او مطالعه بیشتری می کرد به دلیل استعداد سنت شکنی که داشت می توانست خیلی از کارهای نیما را قبل از نیما انجام دهد؛ ولی افسوس که در دوره بحرانی زندگی می کرد و عاقبت عمرش هم وفا نکرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۴۵)

دوران مشروطیت بارزترین نمود آغاز تحوّل از سنت‌گرایی به نوگرایی است؛ چرا که شعر در گذرگاه مشروطه نسبت به گذشته نوگرا و تجدیدطلب است. گرچه در سده‌های پیش از جمله قرن نهم یعنی دوره تیموریان و دوره بازگشت ادبی (افشاریه، زندیه و اوایل دوره قاجاریه) نیز این تغییر و دگرگونی در شکل‌گیری دوره و سبک‌های مختلف ادبی وجود داشته؛ اما بحث جریان شناسی بنا به دلایلی در این دوره نمود بیشتری می‌یابد و در نتیجه موضوع جریان شناسی شعر به مبحثی ضروری و اجتناب‌ناپذیر در دوره مشروطیت تبدیلی می‌شود؛ بنابراین دوره مشروطیت دوره گذار و انتقال است.

«می‌توان جریان شعری را از دریچه روند در حال تحوّل سنت و نوگرایی این‌گونه تعریف کرد: «جریان شعری به فعالیت هنری گروهی از شاعران اطلاق می‌شود که بر اساس عقاید و معیارهای زیباییشناختی هنری مشترک، برای خلق آثاری بدیع در حال تلاش و کوشش هستند» (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۶).

۲-۱-۴. تفاوت ادبیات دوره مشروطه با دوره پیشین

«ادبیات مشروطه در جریان جدال با ادبیات کهنه شکل و جان می‌گیرد و به همین دلیل هم از نظر شکل و هم محتوا نو و سنت‌شکن است. متفکران مشروطه اصرار دارند که کلام را از قصرهای باشکوه اشرافی بیرون بیاورند و به خدمت مردم کوچه و بازار بگمارند. هدف اشعار در این دوره، بیداری مردم و انگیختن احساسات ملی و میهنی و ترویج آزادی‌های فردی و اجتماعی و طرد خرافات و اندیشه‌های سست و ناروا، پیکار با بیگانه و بیگانه‌خواهی، انتقاد سخت و بی‌رحم از نابسامانی‌ها و آشنا کردن مردم به حدود و حقوق انسانی آن‌هاست.

بعضی از شاعران این دوره؛ چون ادیب پیشاوری و ادیب نیشابوری و ادیب‌الممالک فراهانی اگرچه تا حدودی از تحولات زمان خویش برکنار نمانده‌اند؛ اما شعرشان بیشتر رنگ کهن دارد. بیشتر اشعار ادیب پیشاوری از مسائل سیاسی و اجتماعی آن روزگار به دور است و پیچیدگی خاقانی‌واری که بر شعرش سایه افکنده، شعرش را نه تنها از دریافت عوام دور کرده، بلکه خواص هم از فهم آن عاجزند.

مقایسه تطبیقی هنجارگرایی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی در برابر این گروه از شاعران، شاعرانی چون ایرج میرزا، عشقی، عارف، نسیم شمال و... نیز هستند که از نظر زبان شعری با دیگران متفاوتند و بیشتر آنان از نظر موضوع، شاعران زمانه خویش هستند. در شعر ایرج میرزا اگرچه مسائل اجتماعی و سیاسی انعکاس دارد، اما بازتاب آن به اندازه شعر عشقی و نسیم شمال نیست. وی از پیشگامان تحول شعر فارسی به خصوص از نظر زبان محسوب می‌شود. زبان شعر او ساده و بی‌تکلف و در بسیاری از موارد محاوره‌ای است؛ چنان‌که شیوه زبانی او را سبک روزنامه‌ای (ژورنالیستی) می‌توان نامید» (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۴۵۶).

«این‌گونه زبان به خصوص در عارف نامه نمودی خاص دارد. شاعرانی چون عشقی، نسیم شمال و عارف که شعر خود را در خدمت انقلاب مشروطه قرار داده بودند نیز زبان ساده محاوره را به کار می‌گرفتند؛ زیرا مخاطبان در آن دوره، مردم عوام بودند و هدف شاعر طرح مسائل روز بود نه توصیف‌ها و خیالات شاعرانه و عارفانه و فیلسوفانه. به مناسبت طرح مسائل سیاسی و انتقادی، واژه‌های جدیدی چون: فعله، عمله، مجلس، کنگره، پلیتیک، شارلاتان، تلگراف، اولتیماتوم، مد، فکل، پارتی، لیدر، کابینه و امثال آن‌ها در شعر این دوره، دیده می‌شود و حتی برخی از شاعران در غزل‌های عاشقانه و صورخیال خود نیز واژه‌هایی از این دست به کار برده‌اند» (همان، ۴۵۷).

«شعر دوره مشروطه به‌خوبی در میان مردم جای خود را باز کرد. چون زبان گویای مردم زمانه بود، زمانه‌ای که دولتمردان و حاکمان در فسق و فجور و فساد بودند، ظلم و ستم دولت حاکم، شاعران را برانگیخت تا به اشعار سیاسی و اجتماعی روی آورند؛ آن هم با قالب‌هایی جدید و مضامینی نو. «در شعر دوره مشروطه به تدریج نوعی شعر نمایشی و روایی نیز معمول و متداول شده، مانند سه تابلو. از نظر قالب، قالب‌هایی چون مستزاد و مسمط فراوان به کار رفته است؛ مانند بسیاری از اشعار نسیم شمال و... طرح مسائل سیاسی و اجتماعی در دوره مشروطه، معمولاً با طنز همراه بوده به همین دلیل در اشعار نسیم شمال و عشقی و بعضی از سروده‌های دهخدا لحن طنز اجتماعی بسیار قوی، قابل تشخیص است.

بر اساس این هدف، مسائل تازه‌ای در ادبیات مطرح گردید که پیش از آن سابقه نداشت؛ مانند مسائل سیاسی و اجتماعی، انتقاد از نظام موجود، آزادی‌خواهی،

وطن دوستی و... که گاه موجب عوض شدن فرم شعر و حتی وزن و قافیه گردید. نخستین پیامد تجدد ادبی، رواج انواع قالب‌های غیر مرسوم شعری بود؛ از قبیل انواع مربع، مخمس و مستزاد که در اشعار شاعرانی چون نسیم شمال، فرخی یزدی، ایرج میرزا و میرزاده عشقی دیده می‌شود» (همان، ۱۳۵۸).

«ایرج میرزا در یکی از مثنوی‌های خود به نام انقلاب ادبی، تحولات در شرف تکوین را چنین توصیف می‌کند.

انقلاب ادبی محکم شد	فارسی با عربی توأم شد
در تجدید و تجدد وا شد	ادبیات شلم شوربا شد
می‌کنم قافیه‌ها را پس و پیش	تا شوم نابغه دوره خویش
تا شد از شعر برون وزن و روی	یافت کاخ ادبیات نوی»

(ایرج میرزا، ۱۳۴۹: ۱۲۰)

در جریان این تجددخواهی به قول عارف، شلم شوربایی ادبیات، اصلاحات کوچه‌بازاری جالبی وارد شعر و نثر شد که نه تنها موجب رکورد ادبیات نشد؛ بلکه آن را گسترش داد به طوری که متعلق به یک قشر خاص نباشد.

۲-۱-۵. صرف در دستور زبان فارسی

صرف (morphology) بخشی از دستور زبان است که ساختار واژه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. به سخن دیگر به شناخت واژه‌ها، تکواژها و هم‌نشینی آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد. ما در صرف با شناخت نوع کلمات سروکار داریم؛ یعنی هر یک از واژه‌های به کار رفته در یک عبارت از چه نوعی است: اسم، فعل، حرف، ضمیر، صفت، قید و... هر یک از موارد فوق صورت‌های مختلفی دارند و از جهاتی قابل تقسیم هستند. مثلاً صرف افعال در زمان‌ها و شخص‌های متفاوت و یا ساختمان فعل‌ها.

در بخش حرف، حروف به انواع «اضافه، ربط، نشانه و...» و در بخش ضمیر، ضمائر به انواع «شخصی، مشترک، اشاره، پرسشی و...» تقسیم می‌شوند. انواع قید از جهات مفهوم، ساختمان و تأثیر بر اجزای جمله که به انواع قیدهای « زمان، مکان، کیفیت، کمیت و ساده، مرکب، نشانه‌دار و بی‌نشانه «همین‌طور به قیدهای» صفت، جمله، فعل،

مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی مسند و ... «قابل تقسیم هستند. صفت‌ها از نظر نوع و ساخت به انواع» صفت‌های بیانی، پرسشی، شمارشی، تعجبی، ساده، مشتق، مرکب و مشتق مرکب» تقسیم می‌شوند.

۲-۱-۶. برجسته‌سازی

برجسته‌سازی عبارت است از به کارگیری عناصر زبان به گونه‌ای که شیوه بیان جلب نظر کند و غیرمتعارف باشد. برجسته‌سازی انحراف از زبان معیار است؛ هنگامی که یک عنصر زبانی برخلاف معمول به کار می‌رود و توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند. «موکارسکی» برجسته‌سازی را فرایندی آگاهانه می‌داند و معتقد است که هر اندازه، فرایندی آگاهانه‌تر به کار گرفته شود، از خودکاری کمتری برخوردار است... در فرایند برجسته‌سازی باید عواملی چون انسجام، نظام‌مندی، رسانگی، انگیزش و زیباشناسی مورد توجه قرارگیرند که البته از بین این عوامل دو اصل «رسانگی» و «زیباشناسی» اهمیت بیشتری دارند. (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۶).

«برجسته‌سازی ادبی به دو شکل امکان‌پذیر است: نخست آن که نسبت به قواعد حاکم بر زبان خودکار (عادی و غیرادبی) انحراف هنری صورت پذیرد که این را هنجارگریزی می‌نامند و دوم آن که قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان خودکار افزوده شود. به این ترتیب، برجسته‌سازی از طریق دو شیوه هنجارگریزی و قاعده‌افزایی تجلی خواهد یافت.» (همان: ۴۳) «گفتنی است که برجسته‌سازی، فرایندی است که صورت-گرایان روس مطرح کرده و آن را از عوامل به وجود آورنده زبان ادبی خوانده‌اند: «این برجسته‌سازی یا به شکل قاعده‌افزایی یعنی افزودن چیزی بر برونه زبان مانند وزن‌های عروضی، یا به شکل هنجارگریزی یا قاعده‌گاهی یعنی حرکت از حالت هنجار و معمول زبان و آفریدن صورت‌های بدیع، شکل می‌گیرد.» (ساسانی، ۱۳۸۴: ۸۷). به بیانی دیگر، هر نوع انحراف از فرم خودکار زبان و ایجاد دگرگونی در ساختار کلامی به نحوی که زیبایی را در سخن رقم بزند، برجسته‌سازی نامیده می‌شود.

۲-۱-۷. هنجارگریزی یا قاعده‌گاهی (Deviation)

«فراهنجاری (سامان‌گریزی، قاعده‌گاهی، هنجارگریزی) گریز از قواعد حاکم بر زبان هنجار و عدم مطابقت و هماهنگی معانی با زبان خودکار است. فراهنجاری

نمی‌تواند هرگونه گریز از قواعد زبان هنجار باشد؛ زیرا بعضی از هنجارگریزی‌ها به ساخت‌های نازیبایی منجر می‌شوند که نمی‌توان آن‌ها را ابداع ادبی زیبا به حساب آورد. فراهنجاری انواع گوناگونی دارد؛ چون: آوایی، باستان‌گرایی سبکی، گویشی، معنایی، دستوری، نوشتاری و واژگان.» (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۲).

آن‌چه صفوی به عنوان انواع هنجارگریزی برمی‌شمرد، در واقع برگرفته از نظریات لیچ است. وی این نوع برجسته‌سازی را در هشت دسته معرفی می‌کند: ۱- هنجارگریزی واژگانی؛ ۲- هنجارگریزی نحوی؛ ۳- هنجارگریزی آوایی؛ ۴- هنجارگریزی زمانی؛ ۵- هنجارگریزی سبکی؛ ۶- هنجارگریزی گویشی؛ ۷- هنجارگریزی نوشتاری؛ ۸- هنجارگریزی معنایی. هنجارگریزی را نباید با قاعده‌افزایی یکسان دانست؛ هنجارگریزی‌ها از لوازم شعر به حساب می‌آیند و از لحاظ ماهوی از قاعده‌افزایی جدا و متمایزند. هنجارگریزی دست به آفرینش شعر می‌زند، درحالی‌که قاعده‌افزایی خلق توازن و نظم حاضر در زبان را بر عهده دارد. (همان: ۴۳).

۲-۱-۷-۱. هنجارگریزی واژگانی

شکستن هنجارهای زبانی از راه باستان‌گرایی، هنگامی پسندیده است که بر ارزش هنری کلام بیفزاید و هم‌نشینی واژه‌های کهنه و نو یا به‌کارگیری ساخت‌های کهنه نحوی در کلام امروزی چنان‌چه با هوشیاری لازم همراهی نباشد و با طبیعت هنری سازگاری نداشته باشد نه تنها سخن را برنمی‌کشد، بلکه باعث فروافتادن آن می‌شود.» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

«گاه شاعر دست به ساخت واژگان تازه با گریز از شیوه‌های معمولی ساختن واژه در زبان هنجار می‌زند. این نوع هنجارگریزی بر شکوه، طنطنه، شگفتی و تأثیر شعر می‌افزاید و باعث غنای زبان می‌شود؛ چرا که بسیاری از این واژه‌ها آرام‌آرام جذب زبان می‌شوند و در نتیجه اعتبار ادبی آن‌ها به نفع زبان از دست می‌رود. هنجارگریزی واژگانی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته می‌سازد» (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۹).

مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی

۲-۱-۷-۲. هنجارگریزی نحوی

«گریز از قواعد حاکم بر نحو زبان هنجار را هنجارگریزی نحوی می‌گویند. شاعر با جابه‌جا کردن سازه‌های تشکیل دهنده جمله و بر هم زدن آرایش قواعد زبان هنجار، زبان خود را نسبت به زبان هنجار برجسته می‌سازد.» (سجودی، ۱۳۷۷: ۲۱).

۲-۱-۷-۳. هنجارگریزی زمانی

یکی از شگردها و شیوه‌های شاعرانه که به نوعی عدول از هنجار محسوب می‌گردد، به کار بردن سازه‌هایی است که در زبان خودکار رایج نیستند و در واقع واژگانی هستند که در گذشته متداول بوده‌اند. سپس با گذر زمان مرده‌اند یا اکنون کاربرد کمی دارند. به این نوع هنجارگریزی، باستان‌گرایی نیز می‌گویند: «زیرا شاعر می‌تواند از گونه زمانی زبان هنجار بگریزد و صورت‌هایی را به کار ببرد که پیش‌تر در زبان متداول بوده‌اند و امروزه واژه‌ها و ساخت‌های نحوی کهنه‌اند.» (صفوی، ۱۳۷۳: ۵۴).

۲-۲. ویژگی‌های صرفی شعر مشروطه

۲-۲-۱. ساخت واژگان تحت تأثیر ترجمه

«مهم‌ترین مسائل زبان فارسی امروز برای ما ترجمه است. زبان فارسی معاصر تحت تأثیر ترجمه‌های بد و ناقص قرار گرفته است که صدها اصطلاح ترجمه‌ای نامناسب حاصل آن است.

مسئله ترجمه و اخذ تعبیرات ترجمه‌ای و لغات بیگانه، خود زاییده برخورد زبان‌هاست و برخورد زبان‌ها با هم حاصل برخورد فرهنگ با یکدیگر است و هیچ زبانی نیست که تحت تأثیر زبان و فرهنگ‌های دیگر قرار نگرفته باشد. حاصل جریان طبیعی برخورد فرهنگ‌ها و زبان‌ها، ورود لغات یک‌زبان و مسئله ترجمه است.

تأثیر ترجمه در لغات زبان به مراتب بیشتر از تأثیر در ساختمان دستوری آن است؛ زیرا ساختمان دستوری، ستون فقرات زبان است و به سختی تغییر می‌کند. با این حال، ترجمه، گاهی در ساختمان دستور زبان نیز تأثیر می‌گذارد. این تأثیر یا به صورت ظهور عناصر و اشکال تازه دستوری است و یا به صورت ظهور عناصر و اشکال تازه دستوری است و یا

به شکل رواج صورت‌های نادر و کم‌استعمال زبان است.» (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۳۴۳). اکنون به بررسی تأثیر دستوری زبان‌های فرانسه و انگلیسی در شعر مشروطه می‌پردازیم.

۲-۲-۲. ساخت عدد کسری عربی تحت تأثیر ترجمه

قبل از آشنایی با زبان‌های غربی عددهای کسری از ترکیب یک عدد اصلی با «یک» ساخته می‌شد، مانند چهاریک، پنج یک، ... اما تحت تأثیر ترجمه، نوع تازه‌ای از عدد کسری وارد زبان ما شده است، مانند: یک‌دوم، سه‌دهم، یک‌هفتم.

اکنون که ز رأی خوانده گردیده دو ثلث ناچار سه‌ربیع ناامیدند همه
(فرخی، ۱۳۷۴: ۲۵۶)

دو ثلث به معنای دوسوم: two third؛ سه‌ربیع به معنای سه‌چهارم: three

۲-۲-۳. صفات دارای پیشوند نفی

برای ترجمه صفاتی که دارای پیشوند نفی هستند، کلمات «فاقد، ضد، خلاف» ترجمه anti به عنوان عنصر دستوری صفت‌ساز به وجود آمده‌اند. (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۳۵۴).

منصور که در عدلیه قادر شده است دیر آمده زود از مصادر شده است
هشتاد و یک ابلاغ خلاف قانون از جانب آن جسور صادر شده است
(فرخی: ۲۱۷)

از عدل اگر وکیل توصیف کند روزنامه‌نگار مدح و تعریف کند
زین پس به خلاف پیش‌تر جا دارد گر پارلمان ادای تکلیف کند
(همان: ۲۲)

۲-۲-۴. وجود شبه پیشوند و پیشوندواره‌ها

یکی از این پیشوندواره‌ها واژه «قابل» است که برای ترجمه صفاتی به کار رفته است که آخر آن‌ها پسوند های (able, ible) است مانند ترکیبات: قابل چاپ، قابل قبول، قابل ملاحظه و ...

به‌سان آینه‌ای در مقابل خورشید نه هیچ عضو مر او راست در خور تنقید
که هست در خور تمجید و قابل تحسین نه هیچ وصف مر او را در خور تحسین
(عشقی: ۱۷۵)

مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی

۲-۲-۵. ساخت واژگان جمع

امروزه تحت تأثیر ترجمه، نوعی جمع وارد زبان فارسی شده است که «ات» عربی به آخر آن ملحق می‌شود. این کلمات جمع، ترجمه کلمات مفرد فرنگی است.

واردات و صادرات ما تعادل چون نداشت

هرچه می‌خواهی در ایران فقر هست و پول نیست

(فرخی: ۱۱۴)

واردات (exportation)، (e/f)؛ و صادرات (importation)، (e/f):

آنان که به عدل و داد مفتون گشتند تسلیم مقررات قانون گشتند

(همان: ۲۲۶)

مقررات (f) : disposition

آن را که نفوذ و اقتدارات بود در دست تمام اختیارات بود

از چیست ندانست که بدبختی ما یکسر ز خرابی ادارات بود

(همان: ۲۳۵)

اقتدارات: powers

اختیارات: options

ادارات: offices

۲-۲-۶. کاربرد گروه‌های ربطی تازه

بسیاری از گروه‌های ربطی فارسی در یکی دو قرن گذشته، تحت تأثیر ترجمه آثار فرنگی

ساخته شده‌اند؛ مانند: «علاوه بر این‌که، به نحوی که در موردی که به طریقی که و...»

تو را زنده خواهد که روزی مگر پی خدمت وی ببندی کمر

به نحوی که او خواست جبران کنی ز جان، خدمت انگلستان کنی

(عارف: ۳۴۹)

«به نحوی که» ترجمه عبارتی از زبان فرانسوی است: De sorte q

۲-۳. واژه‌های دخیل در زبان فارسی

زبان فارسی همانند همهٔ زبان‌ها، واژه‌های دخیل دارد و می‌توان گفت: اصلاً زبان خالص و پاک یافت نمی‌شود. علت این امر، تبادل فرهنگی، سلطه‌های نظامی و یا فرهنگی و دینی کوتاه‌مدت و یا درازمدت اقوام و ادیانی است که بر اهل آن زبان حاکمیت یافته‌اند. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

آنچه مسلم است هر زبانی که قدرت واژه‌سازی بیشتری داشته باشد، مانع ورود لغات و واژه‌های بیگانه می‌شود. زبان فارسی از نظر واژه‌سازی از جمله زبان‌های قدرتمند دنیا محسوب می‌شود و از توانایی واژه‌سازی بالایی برخوردار است؛ اما آنچه سبب ورود واژه‌های دخیل در زبان فارسی شده است، عواملی خارج از زبان نظیر سلطه‌های فرهنگی، دینی و نظامی اقوام بیگانه است.

زبان فارسی دری از همان ابتدای شکل‌گیری خود، واژه‌هایی را از زبان یونانی به همراه داشت که نشانه‌های تبادل فرهنگی ایران و روم قدیم و قبل از اسلام است. واژه‌هایی مانند ابلیس، بوقلمون (جامهٔ رنگارنگ)، ارغنون، اسطوره، اسفنج، اسقف و ... از جمله واژه‌هایی است که از زبان رومی یا یونانی وارد زبان فارسی شده است. همچنین واژه‌هایی از زبان هندی نیز در پیشینهٔ زبان فارسی دری وجود داشت که به این زبان راه یافته است؛ واژه‌هایی مانند:

جهان، جنگل، نیلوفر، نارگیل، هلاهل، کافور، چاپ، انبه، کتاره (قداره) از جمله لغاتی است که قبل یا بعد از اسلام، وارد زبان فارسی شده‌اند.

از عهد صفویه به مناسبت رفت و آمد سفیران و بازرگانان کشورهای اروپایی به ایران و بالعکس به تدریج بعضی از لغات از زبان‌های اروپایی وارد زبان فارسی شد و این روند در دوره قاجار به علت اعزام سفیران به کشورهای اروپایی و تأسیس سفارتخانه‌ها و کنسول‌خانه‌های آنان و خصوصاً پس از اعزام محصلان به اروپا، شدت گرفت. پس از مشروطیت و ایجاد روابط مستقیم بین ایران و کشورهای غربی هجوم لغات اروپایی و آمریکایی محسوس‌تر شد. حملهٔ نظامی پیدا و پنهان روسیه و کشورهای نظیر فرانسه، انگلیس و آمریکا و همچنین گسترش علم و تکنولوژی سریع در دنیای غرب از جمله عوامل نفوذ واژه‌های دخیل اروپایی می‌باشد.

مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی

۲-۳-۱. کاربرد واژه‌های بیگانه (دخیل)

چند از پلتیک اجانب به خوابید تا به کی از دست عدو در عذابید
(عارف: ۳۹۴)

تا که مجلس نشود از خون رنگ تا به پای تریون توپ و تفنگ
(همان: ۱۸۲)

پارتی زلف تو از بس که ز دل‌ها دارد روز و شب بی‌سببی عربده با ما دارد
کاش کابینه زلفت شود از شاخه پریش کو پریشانی ما جمله مهیا دارد
(همان: ۲۶۲)

موارد دیگر: ترور (۲۷۲)، فراکسیون (۲۷۴)، شونیمان، پروپاگان (۲۷۶)، دمکرات
(۲۷۹)، میتینگ، کنفرانس (۲۸۹)، پارلمان (۲۹۶).

فتنه در پنجه یک سلسله گرد است مدام کار آن سلسله جز سلسله جنبانی نیست
(فرخی: ۱۱۰)

نام آزادی برای خویش سازند انحصار بازی این رل را حریفان با قشنگی می‌کنند
(همان: ۱۲۲)

آن کس که مقام مستشاری دارد در مالیه، اختصاص کاری دارد
رپورت ورا اگر به دقت خوانی بیش از همه چیز امیدواری دارد
(همان: ۲۲۱)

موارد بیشتر: پارلمان (۲۲۶)، فرونت (۲۲۷)، سوسیالیست (۲۲۸)، سنا (۲۲۹)، وستال
(۲۳۳)، سانسور (۲۳۶)، کلیشه (۲۳۷)، آراین (۲۵۳)، بانک (۲۵۴)، فابریک (۲۵۷)،
انگریزی (۲۷۱)، پولیزاسیون، کنسی توسیون، اکسپوزیسیون، ارکن، زاسیون، پاردن
(۲۹۱)، ترن (۱۵)، پارتی (۱۸۷)، موزر (۱۸۸)، دمکرات (۱۹۰)، مارلینگ، کاکس، نرمان
(۱۹۶)، آژان (۱۹۹)، پارک (۲۰۲)، قمچی (۲۲۰)، یاگون (۸۱)، کانون (۱۲۳).

داده او تغییر پیز، من در عجب کاین چه طرز تازه طراری است؟
شغل این جنتلمن عالی جناب در خیابان‌ها قدم برداری است
(عشقی: ۴۱۳)

بی اعتنا به هیئت کابینه فلک گردیده‌ام که پارتی‌ام یک ستاره نیست
(همان: ۳۶۶)

نصیر دوله که سالون ضد مافوقش هزار مرتبه پر شد، دوباره خالی شد
(همان: ۴۲۲)

کیسولی، ساخارین، سوسیالیست (۲۲۸)، اشرافی، سنا (۲۲۹)، دموکرات (۱۹۰)،
مذاکرات (۲۱۲)، سیاست، وجیه المله (۸۱)، وکالت، مزارت (۸۲)، انقلاب (۸۷)، رای،
سندوق، خارجه، داخله (۱۱۹)، اعتدال، رادیکال، سوسیال (۴۱۸).

۲-۳-۲. واژگان سیاسی

اکنون که شدید سوسیالیست مآب خودخواهی و اشراف پرستی نکنید
(فرخی: ۲۲۸)

با بودن این مجلس اشرافی باز یک دسته ستمکار سنا می‌خواهند
(همان: ۲۲۹)

۲-۳-۳. نقش زبان عربی

زبان فارسی از همان ابتدای ظهور خود ارتباط و تأثیرپذیری شدیدی از زبان عربی
داشت. سلطه فرهنگی و دینی و حتی کشورها، زمینه ورود واژه‌های بسیاری را فراهم
نموده است. هر چند در سه قرن اول، این لغات بسیار اندک است؛ اما به تدریج در قرن
چهارم تا ششم، ورود این واژه‌ها و اصطلاحات عربی به شدت افزایش یافت. علت ورود
لغات عربی در عوامل زیر خلاصه می‌شود:

۱- بعضی از واژه‌های عربی ساده‌تر از واژه‌های کهنه ایرانی به نظر می‌آمد و یا کلمه
ساده، مایه گشایش در معنی می‌شد.

۲- در مقابل کلمه عربی، معادلی در زبان فارسی وجود نداشته است؛ مانند واژه‌ها و
اصطلاحات دینی و اداری.

۳- عربی دانی و عربی مآبی دانشمندان و نویسندگان و شاعران که به عمد لغات و
واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات عربی را استفاده می‌کردند و...

مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی البته گاهی بعضی از اصطلاحات از ریشه ایرانی گرفته شده و بعد به صورت معرب به لهجه‌های فارسی رسوخ یافته است؛ مانند: خطر، نعمت، مجمر، عمر، طعام، فخر و ... علاوه بر این با تصرفاتی که ایرانیان در ظواهر مفردات عربی و معانی آن‌ها کرده‌اند، تعدادی از این واژه‌ها فقط از لحاظ ریشه عربی هستند و در معانی‌ای استفاده شده است که عربی‌زبانان با آن بیگانه‌اند.

۲-۳-۴. بهره‌گیری از واژگان و ترکیبات عربی

ای توده عمل با همم عالیه کن بگذشته گذشته، صحبت از حالیه کن
(فرخی: ۲۵۳)

شهزاده آزاد چو شد حارس فارس خونریزی و اغتشاش شد جالس فارس
(همان: ۲۵۳)

شب تیره و برف آن‌سان نمود که غلمان پوشد لباس کبود
(همان: ۲۷۰)

هبا وهدر (۲۷۶)، منتظرالوکاله (۲۰۸)، ارتقای، مسیر، مجمر (۸۰)، ممتحن (۲۶۹)،
حارس (۲۲۸)، مجاعه (۱۵۱)، تخفیف، مستمری، شهریه، حقوق، بالمناصفه، تصنیف
(۱۵۰)، انیرحمونی (۱۹۴)، ضباط، معدلت (۲۰۰)، نرتشی، راشی (۲۲۰)، برله (۲۳۹).

۲-۴. قاعده افزایش و کاهش (قاعده افزایی - قاعده کاهی)

در شعر گذشته پارسی، گاه واژه‌هایی آشنا یافته می‌شوند که بیرون از قراردادهای صرفی، حرف «الفی» در آغاز یا پایان

دارند و نیز حرف یا حروفی از آخرشان کاسته می‌شود. به نظر می‌رسد این افزایش و کاهش بنا بر ضرورت‌های وزنی یا قافیه انجام می‌گرفته و تابع قرار زبان خاصی نبوده است. بالا بودن بسامد چنین قاعده‌ای آن را جزو مختصات سبکی سده‌های نخستین شعر پارسی کرده است و این ویژگی در شعر مشروطه بسیار دیده می‌شود.

خبر ز مریم اگر پرسى دختر ناکام به جای آن شبش اوفتاده است آرام
(عشقی: ۱۷۹)

گر کنم درد دل از تربت اهخامنشی از لحد بر سر آن سلسله خون می‌ریزد
(همان: ۲۳۳)

استاره (۳۷۹)، لشخوران (۵۲۳)، چرندی، آبرومندی (۵۳۷)، ستبدادی (۲۷۲)، ستمداد
(۲۷۸)، ناسوده‌ام (۳۵۶)، روبه ره (۵۲۴)، آغش (۲۰۵).

شاهد زیبای آزادی خدایا پس کجاست مقدم او را به جانبازی اگر پذیرفته ام
(فرخی: ۱۶۴)

تا برفکنندی از مهر ای ماه پرده از چهر بنیان عقل کندی تاراج هوش بردی
(فرخی: ۱۷۶)

جاماس، گشتاس (۱۸۷)، افریدون (۱۸۹)، ستبدادی (۱۹۰)، اشکوفه (۱۹۳)، ناشد،
کوته (۱۹۳)، نارد (۸۴)، بشکستگی (۹۱).

ببستند نک بار خود بارها خیانانگران و تبهارها
(عارف: ۳۴۹)

دست و پای گله با دست شبان‌شان بسته‌اند خوانی اندر ملک ما، از خون خلق آرسته‌اند
(همان: ۳۴۹)

۲-۵. سستی ترکیبات و ضعف تألیف

در دورهٔ مشروطه، دسته‌ای از شاعران در تألیف کلامشان از آثار غزل‌سرایان قرن دهم تا سیزدهم سرمشق می‌گرفتند. زبان این سخنوران با زبان جاری و زندهٔ میانه نزدیکی بیشتری داشت. عارف، لاهوتی، عشقی و فرخی از این گروه به شمار می‌آمدند. (نیاز کرمانی، ۱۳۷۶: ۴۸).

این سخنوران با آن‌که در ترکیب عبارت کمتر گرد تصنع و تقلید می‌گشتند، مهارتی در بیان نداشتند و از عهدهٔ آن‌که کلامی فصیح و زیبا بسازند، بر نمی‌آمدند. سستی ترکیب و ضعف تألیف، غالباً کلام آن‌ها را تا حدّ عبارت‌های عامیانه پایین می‌آورد و گاهی فهم مقصودشان را نیز دشوار می‌کرد. بین اجزای جمله‌ها و بین جمله‌ها و مصراع‌ها در شعر آن‌ها، ابهام دیده می‌شود. عشقی نیز به عنوان شاعری خام و تازه‌کار، با آن‌که احساس و اندیشهٔ آزادی‌خواهانه‌اش ارزشمند است؛ اما گاهی صورت و محتوا را رها از یکدیگر قرار داده، به طوری که هرکدام به سویی می‌روند:

مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی
عروسی از تو نمایم به بهترین ترتیب دو سال طفره زده، آن دختر عقیف و نحیف
(عشقی: ۱۸۱)

در مصراع دوم بیت، شکل قرار گرفتن کلمات به نحوی است که مشخص نیست آن
که طفره زده است، آن دختر عقیف و نحیف است یا آن جوانک (آمدن حرف اضافه «به»
قبل از آن «دختر عقیف» رفع ابهام می‌کند).

هزار و سیصد و هجده ز جانب تهران بشد جوانک جلفی، حکومت کرمان
(همان: ۱۸۳)

بر اساس روند داستان، حکومت کرمان به دست جوانکی جلف می‌افتد که از مصراع
دوم با توجه به روابط هم‌نشینی کلمات چنین استنباطی نمی‌شود.
زنم برای من از بس که غصه خورد همی پس از سه مه، تب لازم گرفت و مرد همی
(همان: ۱۸۸)

در این ابیات ارکان جمله بی‌جهت جابه‌جا شده‌اند و فهم بیت را دشوار کرده‌اند.
همچنین ترکیب «تب لازم» هم نادرست است و صحیح آن «تب لازمه» است.

۲-۶. کاربرد واژه‌ها و ترکیب‌های عامیانه (عامیانه‌گرایی)

گفتیم که شعر مشروطه در گروهی از شاعران به زبان عامه مردم و کوچه و بازار
نزدیک می‌شود. مسلماً این نزدیک شدن می‌طلبد که از واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه نیز
تأثیرپذیری داشته باشد.

«گراهام هوف» در کتاب گفتاری درباره نقد گفته است: «در هر دوره، منبع اصلی
حیات در زبان شاعرانه، کلام واقعی آن دوره است. هدف، پیش از آن که به این نتیجه
برسد، کلام واقعی را تحلیل کرده است. در نگاه او، منابع کلی بیان، مجموعه‌ای است از
ضرب‌المثل، اصطلاح عامیانه و زبان روزمره، فصاحت و اقتباس‌های آگاهانه و ابداعات
افراد متفکر و اندیشمند است. زبان شعر به‌رغم نزدیکی‌هایی که ممکن است به زبان
گفتار داشته باشد، قرار زبان است. رشته‌هایی که شاعر و مردم را به هم ارتباط می‌دهد،
باید چندان محکم باشد که بتواند ظریف‌ترین احساسات و سخت‌ترین تجربه‌ها را منتقل
کند.» (گراهام هوف، ۱۳۶۵: ۶۵)

ویژگی مهم شعر مشروطه هم همین نزدیک شدن شعر به مردم است. مثال:

ز آب و رنگ بدک هم نبود زیبا بود ز حیث جامه هم از مردمان حالا بود
(عشقی: ۱۷۶)

روان به روی زمین برگ‌ها ز باد ایاز به جای آن شبی ام بر فراز سنگی باز
نشسته‌ام من و از وضع روزگار پکر
(همان: ۱۷۹)

جلفی (۱۸۳)، پابه هوا، بچه هام (۱۸۵)، بی پیر (۳۴۴)، له‌له، گشنگی (۵۰۷)، ژندره،
نمدودیو (۲۸۳)، یخه (۵۲۶)، چشمت کور (۵۳۷)، دل‌آکنده (۵۳۵)، هشلهفت (۴۲۱)،
الدرم و بولورم (۲۸۱)، پیش پیشیم مومو (۲۸۲)، هوچی‌گری (۴۳۳).

همه یغما طلب و اهل چیو همه غارتگر و وردار و برو
(عارف: ۱۸۳)

پاچه‌های همه ورمالیده مال ملت هم‌همشان چاپیده
همه شیرازه ز هم پاشیده کهنه قالتاق پالان سائیده
(عارف: ۱۸۳)

تن به قضا، خنس و فنس (۲۴۶)، به جهنم (۲۵۱)، شوی کور (۲۸۱)، گوشه‌دار، به
جهنم (۲۹۲)، قلچماق (۲۷۳).

جز دل سوراخ سوراخش نبود از دست شیخ دانه‌دانه چون شمردم سبحة صد دانه را
(فرخی: ۷۹)

با کجروی خلق، جعلق خوش باش با کشمکش گنبد ازرق خوش باش
(فرخی: ۲۴۲)

داخل آدم (۱۴۴)، هورا (۱۶۹)، پوست‌کلفتی (۲۴۱)، لات و لوت (۸۶)، سرما دست
برداشت، بخت سیاه (۸۶).

۷-۲. نوآوری در ترکیب و واژگان

شاعران این دوره از زبان جدیدی سود می‌برند. برای مثال، عشقی، داستان‌ها،
خصوصاً «سه تابلو مریم» را به زبانی جدید

مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی
 روایت می‌کند؛ مانند قاعدتاً، تنفیذ، ژاکت، کپسول و ... که این واژه‌ها در تاریخ
 ادبیات ما بی‌سابقه‌اند و در واژه‌شناسی شعری ایران، جا ندارند و پس از انقلاب مشروطه،
 وارد فرهنگ شعری شدند و جا باز کردند.
 خرگردن (۳۳۷)، لب‌سوز (۳۰۸).

به عمد داد سر زلف خود به دست صبا چه‌ها که با من هستی به باد داده نکرد
 (عارف: ۲۷۴)

چو لیدران خطاکار و زاهدان ریا از این سپس سر مردم فریفتن دارم
 (همان: ۳۰)

در جهان کهنه ماند نام ما و فرخی چون ز ایجاد غزل، طرح نو افکنندیم ما
 (فرخی: ۸۱)

با چنین سرمایه عزم تزلزل ناپذیر نامه حق‌گوی طوفان تا ابد پاینده است
 (همان: ۹۵)

صورت ولکان به خود بگرفته قصری با شکوه خون کند خاموش این آتشفشان فتنه را
 (همان: ۸۳)

اگرچه قاعدتاً، شب سیاهی است پدید خلاف هر شبه، امشب دگر شبی است سپید
 (عشقی: ۱۷۴)

همان روز است می‌بینم که ما هر دو به ناکامی ز هجر یکدگر تلخین، به سر آریم ایامی
 (همان: ۲۶۵)

جای ما در گوشه صحرا بود مانند کوه گوشه‌گیر و سربلند و سخت پیوندیم ما
 (همان: ۸۰)

۲-۸. ساخت صفت به شیوه صفات عربی با نشانه مؤنث

ای دل تو همیشه راه حق پوی و مترس با مسلک حق، رضای حق جوی و مترس
 کن پیشه خویش، پاکی و چون طوفان با داخله و خارج حق‌گوی و مترس
 (فرخی: ۲۴۲)

جدول مقایسه تطبیقی ساختار صرفی در شعر فرخی، عارف و عشقی

واژگان فرنگی	درصد	سیا سی	در صد	واژگان عربی	درصد	قاعده افزایش	درصد	ترکیب سست	درصد	واژگان عامیانه	درصد	واژگان نو	درصد
۱۱	٪۱۶/۹۲		۰	-	۰	۲	٪۸/۳۳	-	۰	۱۲	۳۲/۴۳ ٪	۴	٪۴۰
۲۲	٪۳۳/۸۴	۰	۰	-	۰	۱۱	٪۴۵/۸۳	۳	٪۱۰۰	۱۸	۴۸/۶۴ ٪	۳	٪۳۰
۳۲	٪۴۹/۲۳	۲	۱۰۰ ٪	۲۳	٪۱۰۰	۱۱	٪۴۵/۸۳	-	۰	۷	۱۸/۹۱ ٪	۳	٪۳۰

۳. نتیجه گیری

بررسی و تجزیه و تحلیل متون ادب از دیدگاه دستور زبان فارسی (اعم از معیار تاریخی در کنار مطالعات زبان‌شناختی و سبک‌شناسی دستوری متون ادب فارسی، فهم این آثار را برای ما آسان‌تر می‌کند. با بررسی قواعد صرفی و نحوی شعر مشروطه به این درک و دریافت می‌رسیم که عده‌ای از این شاعران به اصول گذشته پایبند بوده‌اند؛ اما در مقابل، عده‌ای از جمله شاعران مورد بحث در پی ایجاد شیوه‌ای نوین در شعر بوده‌اند و این زمینه‌ساز و سرآغازی برای پیدایش شعر نیمایی بوده است.

در این پژوهش، در پی آن بوده‌ایم تا ثابت کنیم که شاعران هنوز اصرار دارند از واژگان کهن استفاده کنند و از جهتی، تحت تأثیر ترجمه آثار غربی و رفت و آمد به اروپا، از ترکیبات و واژگان دخیل، استفاده کنند و حتی ترکیباتی به کار ببرند که معادل ترجمه لفظ به لفظ واژه‌ها و ترکیبات فرنگی است.

در مقایسه و بررسی ویژگی‌های شعری این سه شاعر (فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی) به این نتایج می‌رسیم که در شعر فرخی اصطلاحات فرنگی، سیاسی و واژگان عربی نسبت به دو شاعر دیگر بیشتر است و او موازین شاعری را رعایت کرده است و غلط‌های زبانی و نحوی کمتر در شعر او دیده می‌شود؛ بنابراین شعر فرخی پخته‌تر و روان‌تر است.

مقایسه تطبیقی هنجارگریزی و شگردهای کاربرد آن در شعر فرخی یزدی، عارف قزوینی و میرزاده عشقی در شعر عارف و عشقی، عامیانه‌گرایی و اصطلاحات عامیانه و ضرب‌المثل‌ها بیشتر نمود دارد و غلط‌های زبانی و نحوی شعر آن‌ها در مقایسه با فرخی بیشتر است.

۱۱. منابع و مأخذ

- ۱- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، سفر در مه، تهران: انتشارات نگاه.
- ۲- حسن لی، کاووس، (۱۳۸۳)، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران: نشر ثالث.
- ۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، با چراغ و آئینه، تهران: انتشارات سخن.
- ۴- صفوی، کوروش، (۱۳۷۲)، از زبان‌شناسی به ادبیات، ج ۱، تهران: نشر چشمه.
- ۵- عارف قزوینی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، دیوان، به کوشش مهدی نورمحمدی، تهران: سخن.
- ۶- عشقی، میرزاده، (۱۳۵۷)، به تصحیح علی‌اکبر مشیر سلیمی، ج ۸، تهران: سپهر.
- ۷- غلامحسین زاده، غلامحسین، (۱۳۸۰)، سیر نقد شعر در ایران از مشروطه تا ۱۳۳۲ ه. ق، تهران: روزنه.

۸- غلامرضایی، محمد، (۱۳۷۷)، سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، چاپ سوم، تهران: نشر جامی.

۹- فرخی یزدی، (۱۳۶۹)، دیوان، تصحیح حسین مکی، تهران: امیرکبیر.

۱۱- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۸۰)، گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی، چاپ سوم،

تهران: امیرکبیر.

۱۲- _____، (۱۳۸۷)، دستور مختصر تاریخی، تهران: انتشارات زوار.

۱۳- نیاز کرمانی، سعید، (۱۳۶۷)، شعری که زندگی است، چاپ اول، تهران: انتشارات

پاژنگ.

۱۴- هوف، گراهام، (۱۳۶۵)، گفتاری درباره نقد، ترجمه نسرین پروینی، تهران: امیرکبیر.

۱۵- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۷۵)، چون سبوی تشنه، تهران: نشر جامی.

مقالات

۱- جلالی پندری، یدالله، (۱۳۸۵)، «شیوه نثر نویسی فرخی یزدی»، فصلنامه دانشکده

ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، ش ۱۹، صص ۶۳-۸۶.

- ۲- ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۴)، بررسی ویژگی های سبکی کویر شریعتی، پژوهش نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۶ و ۴۵.
- ۳- سجودی، فرزانه، (۱۳۷۷)، «هنجارگریزی در شعر سهراب»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۲، ص ۲۱-۲۲.
- ۴- صادق زاده، محمود، (۱۳۸۸)، «بررسی سبک نثر مقالات فرخی یزدی»، کاوش نامه یزد، ش ۱۳، صص ۴۹-۷۱.